

خشونت های جنسیتی در محیط های کاری

زمانی که صحبت از حضور زنان در فضای عمومی و یا شغل های خارج از خانه می شود مسائل چون نداشتن حقوق و مزایای برابر با مردان و یا ارتقای شغلی مناسب با کاری که انجام می دهند؛ در ذهن تداعی می شود و بحث های گوناگونی پیرامون آن شکل می گیرد. اما واقعیت نشان می دهد که این مسائل تنها بخشی از مسائل زنان در بازار کار است. بخش پنهانی مسائل زنان که به وضوح در میزان درآمد، ارتقای شغلی و امنیت اجتماعی زنان تاثیر مستقیم، حیاتی و مهم دارد، بحث آزارهای جنسیتی در محیط کاریست.

آزار جنسیتی در محیط کار به اشکال مختلف از جمله استفاده از اقتدار شغلی یا قدرت مدیریتی برای تحمیل خواسته های جنسی است. برابر آمارهای موجود این امر در تمامی جوامع به دلیل حضور قدرت ساختارهای مردسالاری معمول و رایج است. برای مثال، در انگلستان از هر ده زن، هفت نفر در طول زندگی شغلش حداقل يك بار مورد آزار جنسی قرار می گیرد.

تقریباً همه زن ها به نحوی در معرض تجاوز و آزار جنسی هستند و به این دلیل ناچارند احتیاط های خاصی برای حفاظت خود به عمل آورند و با ترس از آزار جنسی زندگی کنند. این مساله ابعاد گوناگونی دارد.

خشونت جنسی در محیط کار شامل رفتارهای کلامی، روانی و فیزیکی است که منجر به آزار جنسی زنان شود، از جمله تماس تلفنی آزاردهنده، تعریف جک های مستهجن، تعریف از زیبایی، تماس های بدنی ظاهراً تصادفی ولی آگاهانه، تماس بدنی با وقاحت بیشتر مثل بغل کردن و بوسیدن، تجاوز جنسی و از این دست رفتارهایی که احساس ناامنی، به خطر افتادن سلامت روانی و کاهش اعتماد به نفس و در صورت مقاومت و مقابله با آنها پی آمدهایی از جمله: اخراج، متهم شدن، ممانعت از ارتقاء شغلی و مزایای شغلی را در پی دارد. در واقع قدرت و برتری شغلی مردان، همچنین تربیت غلط خانواده و فرهنگ مردسالارانه ناشی از نظام طبقاتی است که به مرد اجازه می دهد در هر موقعیتی به همکار زن خود نگاه جنسی داشته باشد !!

نتیجه این عمل در دراز مدت عدم ارتقای مالی و شغلی زنان و به حاشیه رانده شدن آنان در محیط کاری است.

از آنجا که در ایران، مسائل جنسی همواره تابو بوده است بحث پیرامون آن و پیدا کردن راهکارهای اساسی برای این موضوع نادیده گرفته می شود. هیچ آماری در باره میزان آزار جنسی زنان در

محیط‌های کاری در ایران وجود ندارد. اما گزارشی که در سال ۱۳۸۲ به کوشش کمیته جمع‌آوری اسناد و گزارش‌های ستاد مبارزه با خشونت علیه زنان با عنوان "خشونت کاری، اعمال سلطه کارفرمایان" منتشر شده، به رواج این معضل در جامعه ایران اشاره دارد. در واقع خشونتی که پنهان و آشکار به بخش عمده‌ای از زنان روا داشته و روز به روز به میزان آن افزوده می‌شود. این خشونت از توهین و تحقیر با لحن تند صحبت کردن و مسخره کردن گرفته تا گفتن انواع و اقسام متلک‌های جنسی و حتا داشتن تقاضای رابطه‌ی جنسی و اگر بی‌پرده بخواهیم بگوییم نوعی فحشای بدون مزد، شرط یافتن شغل، باقی ماندن در پست مناسب و داشتن حقوق در برخی محیط‌های کاری و اجتماعی شده است.

در گزارش زیر چند مصاحبه گروهی و فردی با زنان شاغلی انجام شده که تجربیات آنان حاکی از این آزار نهادینه شده‌ی سیاه و پنهان است. پیشرفت شغلی و یا مالی زنان به رغم تلاش و یا تخصص آنان در مواردی گره تلخ و سیاهی با خواسته‌های غیرموجه و غیرانسانی مردانی دارد که در ساختار قدرت سازمانی یا کاری از منابع مالی و قدرت خود بیش از اصول اخلاقی یا انسانی بهره برده‌اند. مدیرانی که می‌خواهند زنان در ازای داشتن شغل و یا درآمد بالاتر، تن به خواسته‌های آنان دهند و به خوبی از ضعف قانونی و بیماری فرهنگی جامعه در قبال زنان آگاهند. زنان در این ساختار با توهین و تحقیرهای نرم یا شدیدی از جانب مردانی روبرو هستند، که زن بودن را مقامی پایین‌تر و یا سوژه‌ای جنسی برمی‌شمارند. اگر چه این معضل دامن گیر تمامی سازمان‌ها، شرکت‌ها و یا محیط‌های کاری نیست؛ اما به نوعی تمامی زنان به عنوان قربانیان آشکار و پنهان این تفکر ملزم به احتیاط و بعضاً به حاشیه رفتن و چشم پوشی از پیشرفتی هستند که حق آنهاست.

یکی از مصاحبه شوندگان خانمی مهندس است که مدرک فوق لیسانس شیمی دارد. وی معتقد است به دلیل زن بودنش از همکلاسی مردش، که فعلاً همکارش هست و از نظر کاری و علمی به مراتب از او پایین‌تر است، جایگاه کمتری دارد:

- اولش که کلی حرف وحدیث واسه استخدام يك زن در کارخانه بود. مدرک از دانشگاه معتبر بود و سابقه خوبی هم در چند پروژه داشتم اما به هر حال زن بودم. بعد از استخدام هم همواره نگاه تحقیرآمیزی به من بود. روزی سر مساله‌ای با همکاران دچار مشکل شدیم. جالب بود مرد مهندس همکارم با تحقیر به من گفت: "حیف که زنی، برو بابا". فکر می‌کنم مسئله فرهنگیست گاهی نمی‌توانم لباس درست حسابی بپوشم. طور دیگه نگاه می‌کنند. به شوهرم گفتم من مهندسم اما هنوز مالک بدنم و سرو وضع نیستم.

خانم دیگری با مدرک مهندسی از دانشگاه شریف می‌گوید:

- بارها کارم را عوض کردم. من خوشم می‌آید شیک‌پوش باشم در ضمن سرزنده‌ام و این در فرهنگ ما یعنی: "این زن مساله دارد". بعضی مدیران خواسته‌های احمقانه‌ای دارند. نمی‌دانم چرا به خودشان این حق را می‌دادند. فقط چون افسرده یا ساکت نبودم؟ چشمک می‌زدند یا حتی به بدنشان جلوی من ور می‌رفتند. دو سه

بار مستقیم پیشنهاد دادند. من همواره شکایت کردم و اعتراض. اما گفتند اشکال از خودت است. چون نه افسرده بودم نه ابله. شوهرم گفت خانه بشینی بهتر است تا با اینها جر و بحث کنی. اخیرا هم که مشکل مالی دارم مجبورم در بخش فروش يك شرکت کار کنم که نه تخصص من است نه به این کار علاقه دارم. اما مطمئنم اگر به خواست‌های آنها تن می‌دادم شغل بهتر و درآمد خوبی داشتم. جالب است برای ادامه کار یا درامدی که حقم هست باید باج جنسی بدهم. اما من ترجیح می‌دهم اصول خودم را داشته باشم.

دختر جوانی با مدرک لیسانس که کار دائمی ندارد و کارهای میدانی را برای پروژه‌های تحقیقاتی انجام می‌داد ویا مقالاتی برای روزنامه‌ها می‌نوید، چنین می‌گوید:

- دنبال کار می‌گشتم. شنیدم که کاری تحقیقاتی وجود دارد به دلیل علاقه به این نوع کارها و نیاز به داشتن درآمد، به دفترش رفتم. بخش اول کار را که تحویل دادم حقوق نگرفتم. جاش چنین پیشنهادی را گرفتم که اگر می‌خواهی پولت را بگیری باید با من رابطه داشته باشی. قبول نکردم پولی به من نداد و کار تمام شد. اما مشکلات مالی زیادی داشتم و به دلیل شرایط خاص مذهبی که من دارم و در محیط‌های دولتی کاری برای من نیست مجبور شدم دوباره سراغ همان شخص بروم. شنیده بودم که تحقیق دیگری در دست دارد. او مقام و پست دولتی دارد و می‌تواند با ارتباطاتی که دارد کارهای تحقیقاتی بزرگی بگیرد. با دیدن من گفت: تو اگر آن سری با من راه امده بودی حداقل يك پراید داشتی. خونه‌ای که الان گرفتی، وسطه شهره، من برایت يك خانه در سعادت آباد می‌گرفتم و راحت زندگی می‌کردی. برای خیلی از زنان و دختران این مساله وجود دارد. انگار باید فحشایی صورت بگیرد. برای اینکه بسیاری از مدیران ذهنشان خراب است. می‌گفت: "رابطه زن با يك مرد فقط يك رابطه زناشویی است." بهش گفتم که آیا رابطه مادر شما با قصاب محله این رابطه است؟ اگر زن و دختر خودت با مغازه دار محله‌تان این رابطه را دارد و به نظر تو طبیعی است، من هم با تو این رابطه را خواهم داشت. همه‌شان اینطوری‌اند. هیچ‌جا به من کار نمی‌دهند. واقعا به من کار نمی‌دهند.

دختر دیگری که دو مدرک لیسانس دارد و در يك شرکت تبلیغاتی کار می‌کند، می‌گفت:

- ۴ سال است که سابقه‌ی کار دارم. در محیط‌های مختلف کار کرده‌ام. از شرکت‌های خصوصی گرفته تا محیط‌های دانشگاهی و آموزشی و یا کار دفتری در شرکت خصوصی. تالیف کتاب بوده، الان هم در بخش مطبوعات و بخش بازرگانی تبلیغات کار می‌کنم. در اینجا مشکل بیداد می‌کند. در شرکت خصوصی که کار می‌کردم چون از طریق يك آشنا رفته بودم خوشبختانه برایم مشکلی از این جهت پیش نیامد. برای اینکه ممکن بود از نظر مالی برایشان مشکل ایجاد شود چون با آشنای من شریک مالی بودند.

اگر بخواهم کلی بگویم برای ما خانم‌ها مشاغل دولتی محدودی وجود دارد و فقط عده‌ای می‌توانند به آن دست یابند که آن هم از طریق آشنا و پارتی امکانپذیر است. شغل‌های بخش خصوصی هم که خوب هستند و در شرکت‌های بزرگ و معتبر فقط می‌توانی از طریق آشنا بروی و اگر آشنایی در جایی نداشته باشی، بهترین شغلی که می‌توانی بیابی در شرکت‌های بازاریابی است یا در بخش فروش يك جنس یا برند خاص، مثل لوازم آرایش و... این شرکت‌ها يك دفتر پخش و یا بازاریابی دارند و در آنجا آن کالا را می‌فروشند. یا شرکت‌هایی که بازاریابی می‌کنند و شکل متداول کارشان گرفتن آگهی یا تبلیغات و تیزرهای تبلیغاتی برای نشریات و بیلبوردهاست. در چنین محیط‌هایی این مساله بیداد می‌کند. منظورم مساله فساداخلاقی برخی از

مدیران بالایی است. اگر پشتوانه نداشته باشی و کسی پشت تو نباشد مورد خشونت قرار می‌گیری. هر چند وقت يك بار مورد بی‌احترامی و توهین قرار می‌گیری. به خودشان اجازه می‌دهند با تو بد حرف بزنند. تو را جنس ضعیف‌تر می‌دانند و پست‌تر. حتی آقایانی که جثه‌ی ریزتری دارند و یا پسران کم سن و سال تری هستند و تازه وارد کار شده اند هم مورد این گونه خشونت‌ها قرار می‌گیرند. می‌توانم بگویم قانون وحش است. آنها هم تهدید می‌شوند. البته به زنان الفاظ بد نمی‌گویند، ولی به جورایی خشونت آمیز با آنها صحبت می‌کنند: بشین سرجات، حالا زنی بهت هیچی نمی‌گم. و ... یا اینکه سرش داد می‌کشند و سرزنش می‌کنند و یا به زبان بی‌زبانی می‌گویند اگر این پونن را می‌خواهی باید با فلانی باشی باید با من باشی (خیلی حرفه ای به قول خودشان) این گونه مسایل در خیلی جاها هست. با خیلی خانم‌ها که در محیط‌های مختلف کار کرده اند صحبت کرده ام مخصوصاً آنهایی که در بخش فروش هستند، حتی در شرکت‌های بزرگ این مسایل را دارند. در این محیط‌ها چند نفری از خانم‌ها که با مدیران روابط خوبی دارند و بعضاً روابط جنسی هم دارند، از نظر مالی و موقعیتی تامین می‌شوند و بقیه باید تحت سیطره‌ی این زنان باشند و از طرف این زنان تهدید می‌شوند. این مسایل تبدیل شده به يك مساله طبیعی. حتی اگر در محیطی خاکی نخواهد این اطلاعات را از محیط کارش به شما بدهد و با شما صحبت کند، کافی است یکی دو هفته‌ای در آن محیط باشی خودتان متوجه این مسایل خواهید شد. در محیط‌های دانشگاهی این مسایل کمتر به چشم می‌خورد. چون از نظر فرهنگی سطح بالاتری هستند. استادان نمی‌خواهند شان‌شان پایین بیاید و خیلی تابو بشوند. ولی آنجا هم هست. نمونه اش را در دانشگاه اراک دیدیم و شنیدیم. برخی استادان زن توجه شان به سمت دانشجویان پسر است و برخی استادان مرد به سمت دانشجویان دختری است که منافعتشان را تامین کند. هوای جنس مخالف را دارند. در واقع تنها زنانی ضرر می‌کنند که نخواهند به این مسایل تن بدهند.

- آیا به جز خشونت جنسی خشونت‌های دیگری هم در محیط‌های کار نسبت به زنان وجود دارد؟

- همین رفتار توهین آمیز. خشونت رفتاری و تحقیر روحی بیشتر است تا خشونت جنسی. وقتی زنی به خواسته‌ی مدیرش جواب ندهد که دیگر آن مدیر سراغ او نمی‌آید که خودش را خراب کند. ولی او را تحقیر روانی می‌کند. خود این که می‌گویند: خب زنه دیگه. ولش کن. وحرف‌هایی از این قبیل این خودش يك خشونت روانی است. سرت داد می‌کشند که بترسی و جا بخوری و بقیه هم بترسند. من در محل کارم هر وقت کسی با من این گونه رفتار کرده بلندتر از او داد زده ام و اگر توهین کرده من هم به او توهین کرده‌ام.

- با این گونه برخوردها چگونه تا به حال دوام آورده‌ای؟

- جنگیده‌ام. این اصلاً خوب نیست. این فرسایش روانی می‌آورد. جدیداً به این فکر کرده‌ام که کارم را عوض کنم. ولی نگرانم که در محیط جدید هم همین مسایل باشد و تازه اگر ساعت کار و حقوقم ثابت باشد که فشار بیشتری روی من خواهد بود. به خاطر همین دلم می‌خواهد که کاری برای خودم راه بیاندازم. یا در محیط‌های آموزشی کار کنم.

- میزان خشونت‌های جنسی و یا جنسیتی در محیط‌های کاری که ساعات کاری ثابت دارند بیشتر است یا در کارهای پاره وقت؟

- قطعا در کارهای پاره وقت . ولی تمام موقعیتها در تو تاثیر میگذارد. اگر بازاریاب باشی از نظر مالی روی کارت تاثیر میگذارد. ممکن است از لحاظ اخلاقی الگو بشوی ولی نون و آب، برایت ندارد. و از نظر مالی جایگاه پایینتری خواهی داشت. و نمیتوانی سرمایه‌ای جمع کنی. اگر من به خواسته‌ی آنها تن داده بودم تا به حال حتما بارم را بسته بودم و می توانستم برای خودم کاری راه بیاندازم.
- این برخوردهای توهین آمیز، خشونت آمیز و توقعات جنسی بیشتر از طرف کدام سطح از مدیران دیده می‌شود؟
- بیشتر از طرف مدیری که يك رده از تو بالاتر است. مدیری که بالای سرتوست. چون مدیران ارشد نمی‌خواهند خودشان را خراب کنند. البته بعضی از آنها هم به دنبال راهی می گردند. چون زرنگ هستند صبر می‌کنند ببیند طرف راه نفوذ دارد یا نه. بعضی هم که وقیح‌ترند مستقیم مطرح می‌کنند. آنها فکر می‌کنند خودشان آدم‌های فوق العاده ای هستند . چون دیده اند که دختران زیادی به آنها پا داده اند، و فکر می‌کنند که هر دختری امکان دارد پایش بلغزد پس پیشنهادشان را می‌دهند.
- این راه نفوذ چگونه می‌تواند باشد؟
- سطح فرهنگی جامعه این را می گوید. خیلی از مدیران ارشد از دورافتاده‌ترین روستاها به شهر آمده اند و پول و پله ای به هم زده اند. وبی فرهنگ‌ترین و خشن‌ترین مردان را در میان این اقشار می‌توانی ببینی. ظاهر مدرن و شهری به خود گرفته‌اند اما از نظر آنها اگر يك دختر يك آقا بالا سر یا شوهر داشته باشد کاری به کارش کار ندارند وگرنه آن دختر را فاسد می‌دانند. و اگر در محیط کار با کسی دوست باشد، یا از نظر پوشش آزادتر باشد، او را مال همه می‌دانند. این يك دیدگاه فرهنگی بسته است.
- اگر دختری را می‌بینند که سر و ظاهر خوبی دارد و به دلشان می‌نشیند، نگاه می‌کنند که بفهمند در محیط آیا با مدیران پایین‌تر چه طوری رفتار می‌کند، آیا راه می‌دهد. بسته به رفتار دختر یا اصلا طرح نمی‌کنند و یا اگر حس کنند که این خانم پا بده هست، شانسشان را امتحان می‌کنند.
- به نظر شما آیتم اصلی برای طرح این گونه پیشنهادها و سوءاستفاده‌ها از خانم‌ها، نوع پوشش و رفتار آنان است و یا آگاهی این دسته از مدیران از مشکل مالی و نیاز آن دختر به کار است که سبب طرح این گونه مسایل شود؟
- مشکل مالی بسیار مهم است. اگر حدس بزنند که به آن کار و درآمدش نیاز داری، اگر بدانند که گیر کرده‌ای و مستاصل هستی و پشتوانه‌ای هم در آن شرکت نداشته باشی، مثلا شوهر و نامزدت در آن شرکت نباشد و یا حتا بدانند که مردی که با توست و خارج از شرکت است هم يك آدم معمولی است و آدم بانفوذی نیست حتما شانس خودشان را امتحان می‌کنند.
- این گونه پیشنهادها آیا شرعی است؟ یعنی از آنها می‌خواهند صیغه شوند و یا با آنها ازدواج کنند ؟
- نه . از همکارام در اینجا و در محیط‌های قبلی که کار می‌کردم شنیده ام معمولا پیشنهاد سکس است بدون صیغه و...
- سرنوشت آنهایی که تن به این روابط می‌دهند، در این شرکت‌ها چه می‌شود؟

- کلی بگویم . این گونه زنان تاریخ مصرف دارند.. به آنها مثل کالایی نگاه می‌کنند که تاریخ تولید و انقضا دارد. وقتی این رابطه شروع می‌شود همه در محیط کار می‌فهمند که يك چیزی ، يك رابطه ی پنهانی هست. از پس که دیده اند و قضیه برایشان لوٹ شده ، همه خودشان را به آن راه می‌زنند. در محیط‌های آموزشی هم که بودم همین بود. مدیری که فکر می‌کرد آدم فرهنگی است و در زمینه آموزش هم کار می‌کند، خلاصه این رابطه از زمانی شروع می‌شود . به طرف پونن‌های مالی را می‌دهند ، وقتی کیس جدیدی آمد، کسی که برایشان تازگی دارد، او را جایگزین می‌کنند. طبیعتا آن اولی در این مرحله خیلی صدمه‌ی روحی می‌بیند. و دومی هم می‌فهمد که آمده روی بورس و به خودش بیشتر می‌رسد و هر کاری دلش می‌خواهد می‌کند. آن وقت است که باز همه می‌فهمند که دُور وُزُر اوست. البته در ساختارهای دولتی ، بعضی از این زنان پیشرفت‌های خوبی هم می‌کنند. چون آن ارتقای رتبه برایشان می‌ماند. و این مساله تبدیل می‌شود به يك خاطره از گذشته. می‌گوید اگر این خطا را کردم عوضش فلان پست را گرفتم و زندگی ام تامین شد. می‌توان زنانی را دید که با سن کم پست‌های بالایی دارند و بک‌گراند بعضی شان را هم می‌دانیم.
- یعنی در شرکت‌های دولتی این يك جور بده بستان معقول‌تری است؟
- دقیقا. حتما می‌توان دید که برخی از این زنان ازدواج‌های موفق‌تری هم دارند. در همان شرکت. همه می‌دانند که این خانم با فلانی بوده اما چون پونن مالی‌اش را گرفته و شانس آورده و پست و مقام و موقعیتی بدست آورده، توانسته ادامه‌ی تحصیل بدهد و چون راهش را بلد بوده ازدواج می‌کند. حتما ممکن است با فردی که اصلا فکرش را نمی‌کند و در همان شرکت کار می‌کند. از آن به بعد آن مرد از او حمایت می‌کند. به خاطر چنین تجربیاتی این قضیه مثل يك ویروس دارد تکثیر می‌شود و مورد تایید تعداد بیشتری از زنان قرار می‌گیرد.
- نگاه مردم به آن مدیر چیست؟ و چه حیثیت و اعتبار اجتماعی دارد؟
- وقتی مدیر شرکتی برای اولین و دومین بار این کار را می‌کند، خیلی نفرت‌انگیز می‌شود. اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد. خیلی‌ها از او آتو دارند و مجبور می‌شود به اینها پونن بدهد. نمی‌تواند اینها را اذیت کند ولی برخی را هم که از او آتویی ندارند، خودش از آنها آتویی دارد، اذیت می‌کند، تهدید می‌کند. در واقع مدیران محبوب و خواستنی نیستند. خطرات زیادی آنها را تهدید می‌کند. مجبور می‌شود خیلی‌ها را با پول بخرد . اما بعد از مدتی قبح اخلاقی قضیه می‌ریزد و مساله عادی می‌شود.
- اگر بخواهیم کلی‌تر قضیه را ببینیم، آیا این گونه روابط برای زنان و مردان تبدیل به هنجار یا نُرم شده است ،یعنی امری عادی است؟
- نسبت به دهه‌های قبل، تا آنجا که من یادم می‌آید، خیلی عادی تر شده است. مثلا اواخر دهه ی ۸۰ نسبت به دهه ۷۰ فوق العاده عادی شده است.
- خب حالا اگر مدیر زن باشد، موازنه ی قدرت به هم بخورد، وضع چگونه می‌شود؟
- من در محیط‌های شرکتی مدیر زن ندیدم. در محیط‌های دانشگاهی دیدم. مدیر زنی داشتم که همه کاره بود. شوهر و بچه داشت، محببه اما با همکاران مردش خیلی راحت بود طوری که پشت سرش خیلی حرف می‌زدند. با دانشجویان پسر خیلی خوب بود ولی با دانشجویان دختر بد تا می‌کرد. بجز دخترانی که مثل خودش بودند.

- منظورم این است در محیطی که زن مدیر است، برخورد آن همکاران مرد با زنان چگونه است؟ آیا همچنان سوء استفاده می‌کنند؟
- مدیران مرد هر چقدر هم که بد باشند، اما در بدترین شرایط اخلاقی هم همکاران مردشان هوای آنها را دارند و از هم حمایت می‌کنند. اما در مورد زنان اینطور نیست. مثلاً اگر همکار زنی ببیند که مدیر مردی رفتارهای نامناسب سر یکی از همکاران زنش در می‌آورد، عکس‌العملی نشان نمی‌دهد. این رفتارها را برای مردان عادی می‌بیند. اما خدا نکند که مدیر زنی رفتار نامناسب با همکاران مردش داشته باشد، چنان عکس‌العمل نشان می‌دهد که آن مدیر خانم را کله پا کند. در نتیجه مدیر زن باید سالم‌تر باشد تا بتواند بماند. مجبور است سالم‌تر رفتار کند چون در غیر این صورت نمی‌تواند بماند.
- در محیط‌های اداری هنگامی که این جور مسایل در مورد يك زن و يك مرد اصطلاحاً گذش در می‌آید، کار به حراست و اینها می‌کشند، چه عواقبی برای آن دو نفر دارد؟
- همیشه در مورد زنان عواقب بدتری دارد. در يك کارخانه نیمه دولتی در مشهد این اتفاق افتاده بود. هم زن و هم مرد، هر دوشان متاهل بودند. اما فقط آن خانم بدبخت شد و از زندگی افتاد.
- يك نمونه‌ی دیگر هم سراغ داریم. در موسسه‌ی ای این مساله بین يك خانم مجرد و يك آقای متاهل اتفاق افتاده بود و کار به حراست که کشید، آن همکار خانم اخراج شد و آقا همچنان به کارش ادامه داد. حراست با افتخار می‌گفت کاری کردم که محیط درست شود.
- در این مواقع عکس‌العمل همکاران مرد و زن چگونه است؟ با این مساله چطور برخورد می‌کنند؟
- اصولاً خانم‌ها از موضع ضعف عمل می‌کنند. یاد نگرفته‌اند. در محیط کارشان وقتی پای اعتراضی به میان می‌آید، منفعل عمل می‌کنند برای خود من پیش آمده بارها و بارها اعتراض کردم. در جلسات اداری که بجز من ۸-۹ نفر خانم دیگر هم بوده‌اند، اما همه سکوت کرده‌اند. مرد هم که نمی‌آید از من حمایت کند و موقعیت خودش را به خطر بیندازد. چون اگر مرد جسوری باشد که مدیر به او ظلمی نمی‌کند در غیر این صورت روزگار آن مدیر را سیاه می‌کند. اگر هم مثلاً يك آقای دانشجویی باشد که کم سن و سال است و موقعیت شغلی اش ضعیف‌تر از بقیه است که محافظه‌کار است و از من دفاع نخواهد کرد. زنان هم سکوت می‌کنند. می‌گویند: مرده، يك وقت دهانش را باز می‌کند و يك چیزی بهت می‌گوید. من هم در اینجور مواقع می‌گویم: مگر چه خواهد کرد؟ اگر فحش بدهد، من هم جوابش را خواهم داد. اگر بزند که خواهد خورد.
- خب این خصلتی که تو داری که این مسایل را در محیط کارت تحمل نمی‌کنی و عکس‌العمل نشان می‌دهی، در این فضاهای آلوده‌ای که گفתי در محیط‌های کارت وجود داشته، چقدر به ضرر تو بوده، و چقدر به سود تو بوده است؟
- ضرر مادی داشته‌ام. پوئن‌های مادی و مالی که بقیه گرفته‌اند به من نداده‌اند. در خیلی جاها مدیر زیر پای مرا خالی کرده تا قدرت نگیرم. چون در شرکت‌های خصوصی هر چقدر منافع و قدرت مالی تو بالا برود، قدرت بیشتری می‌گیری. اگر منافع مالی نداشته باشی قدرت هم نداری.

علیرغم این، من با اتکا به برخوردهای خودم، توانسته‌ام کاری کنم که از نظر معنوی موقعیتم خوب شود. خوشبختانه در طولانی مدت جواب خودم را گرفته‌ام. خوب آآن می‌بینم شاید حرف وحدیث‌هایی پشت سر سایر همکاران دخترم باشد، يك كوله بار حرف و رفتارهایی با آنها می‌شود، شوخی‌هایی که بعضا با آنها می‌کنند، با من نمی‌شود. ومعمولا هنگامی که دختران همکارانم احساس ضعف می‌کنند به سمت من می‌آیند. انگار که من دایه‌شان هستم. در این مواقع به آنها می‌گویم آن موقعی که من صدایم در می‌آید چرا از من حمایت نمی‌کنید؟ درست است که من پوئن‌های اقتصادی‌ام را از دست داده‌ام. اما این چنین موقعیتی را بدست آورده‌ام.

- یعنی در واقع کسانی که از این طریق پوئن‌های مادی را به دست آورده‌اند، اما همچنان مورد تحقیر هم قرار می‌گیرند؟

- کاملا

- اما زن‌هایی که نمی‌خواهند به این روابط تن بدهند، چگونه عمل می‌کنند؟ وضعیت آنان چگونه است؟

- به بخشی از این مقاومت‌ها و تبعات آن اشاره کردم. آنها يك سری مکانیسم‌های دفاعی برای خودشان انتخاب می‌کنند. این مکانیسم‌ها به صورت تغییر رویه است. کارهایی که خودم و یا همکاران و دوستان نزدیکم کرده‌اند چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی. آنهايي که می‌خواهند يك محیط سالمی در کار ایجاد کنند، حریم دورشان را سالم کنند این کار را می‌کنند به مدیران ارشد تظاهر می‌کنند که کسی را دارند که خیلی حامی‌شان است. حتا اگر چنین حامی‌ای نداشته باشند. می‌گویند کس و کاری بانفوذ در فلان سازمان دارند. این در حقیقت يك سوپاپ اطمینان است. کسی در خارج از شرکت هست که اگر منو اذیت کنید، پدرتان را در می‌آورد. این روش عمومیت پیدا کرده است. آنها هم که نمی‌توانند ريسك کنند. چون نمی‌توانند مطمئن شوند که این خانم درست می‌گوید یا نه، پس احتیاط لازم را می‌کنند. خودم چندین مورد این چنینی دیدم دختر ساده‌ای بود که در کرج کار می‌کرد. ما تمام زندگی‌اش را می‌شناختیم. او به دروغ گفته که من کسی را دارم که با فلان وزیر آشناست. خودش هم می‌گفت که من این کار را کردم تا دست و پایشان را جمع کنند. باید جنگید و در محیط برخوردهای تندی کرد.

- پس یکی دیگر از کارهایی که زنان برای محافظت از خودشان در مقابل چنین رفتارهایی می‌کنند این است که خشن برخورد کنند؟

- مجبورند. شاید طبع زنانه بطلبد که کارهای خاصی بکنند. مثلا با لحن ملایم حرف بزنند و یا راه رفتن‌شان زنانه باشد. من خودم مجبور شدم در محیط کار خیلی مردانه راه بروم. خشك راه می‌روم و به همین خاطر کمر دردهای شدید گرفته‌ام. سعی می‌کنم دست‌هایم را کنار بدنم نگاه دارم. یکی از دوستان دوران دانشگاهم مرا دیده بود می‌گفت چرا اینقدر عوض شده‌ای. چرا مثل مردها راه می‌روی؟ مجبورم. اگر این کار را نکنم و مثل خودم راه بروم روزانه ۵ یا ۶ نفر به من پیشنهاد می‌دهند.

خانم جوان دیگری که به صورت موقت در چند شرکت ویا مجله و روزنامه تجربه کاری دارد می‌گوید.

- از این خواسته‌ها فراوان است. مطلبی نوشته بودم. مقاله ی خوبی شده بود اما مدیر چنین پیشنهادی به من داد.

- خواسته شان را چگونه مطرح می‌کنند؟

- خیلی راحت. اگر خونه داشته باشی که می‌گویند من دارم می‌آیم خانه ی شما تا مطلبت را بگیرم. باید کسی در منزلتان نباشد. اگر کسی باشد ویا دلت بخواهد بگویی کسی خانه هست، یعنی معامله بهم خورده است. اگر خانه نداشته باشی، می‌گویند من در این ساعت در دفتر تنها هستم می‌توانید بیایید. یا می‌توانیم برویم خانه‌ی یکی از دوستان و یا خانه‌ی خودم هم کسی نیست. زنم رفته مسافرت حتا بعضی‌ها که اینقدر پررو شده اند که زنشان هم که می‌رود خرید یا خانه ی مادرش، می‌گویند نیست و.. به هر صورت خیلی راحت مطرح می‌کنند... خلاصه بهش گفتم. من خیلی زحمت کشیدم برای این کار. تا ساعت سه و نیم صبح بیدار ماندم تا به موقع مطلب را آماده کنم. من با ایمیل برایتان می‌فرستم. شما آن را بررسی کنید. فرداش دیدم که خبری نشد. وقتی ازش پرسیدم، گفت مطلب حرفه ای نبود نتوانستم بزنم. حرفه‌ای نبود، یعنی که خواسته‌اش را انجام ندادی. باهات راه نیامدی. پس جزو حرفه‌ای‌ها نیستی.

- مدیر من هم به من گفت: حرفه‌ای به این مساله فکر کن. اگر این کار را بکنی، فردا امتیازات خوبی می‌گیرد. اگر نکنی ضرر می‌کنی.

در این راستا خانمی که از دانشگاه امیرکبیر با مدرک فوق لیسانس فارغ التحصیل شده است و به دلیل پیدا نکردن کار در مجله‌ای کار غیرمرتبط با تحصیلاتش انجام می‌دهد می‌گوید:

- خیلی وقیحانه است. سردبیر دوست دخترش را می‌آورد که مثلا کار کند. حتی از تنخواه ماهیانه به خانم پرداخت می‌شود. زن و بچه هم دارد همه هم این را می‌دانند. ولی وقیحانه پذیرفته اند. خانم نه تخصص دارد و نه توانایی با يك لیسانس، حقوق بیشتر از ما می‌گیرد هیچ خروجی هم ندارد. من علت را شرایطی می‌دانم که پول مفت و موقعیت را به راحتی و بدون ارزیابی به این مرد داده است. حالا این ادم با استفاده از شرایط راحت انسانیت می‌خرد و شرافت می‌فروشد. منی که برای خودم احترام قائم و برای تحصیلاتم زحمت کشیده ام و زندگی را طور دیگری می‌بینم چاره ای ندارم جز تحمل شرایط حاشیه ای کار و فکر می‌کنم بعد از عید دیگر نتوانم اینجا را تحمل کنم.

خانم جوانی که طراح و برشکار لباس شب و عروس است می‌گوید:

- من ده سال و خرده ای هست که در مزون‌های لباس عروس کار می‌کنم. محیط کار من صد در صد با این جاهایی که دوستان گفتند فرق دارد. ولی خیلی از صحبت‌های ایشان شبیه به تجربیات و مشاهدات من در این چندسال است. شما پرسیدید که آیا مشکلات اقتصادی زنان تاثیری دارد در این گونه مسایل. به نظر من در امنیت اخلاقی که زنان در محیط کار دارند، بسیار تاثیر دارد. مشکلات اقتصادی يك خانم دامن می‌زند به این گونه مسایل. اگر خانمی وارد يك محیط کار شود و کارفرما از مشکلات اقتصادی او واز نیاز شدیدش به درآمد آگاه باشد، چه يك دختر مجرد باشد یا يك زن شوهردار فرق نمی‌کند، صد درصد این خطر او را تهدید می‌کند که با چنین پیشنهادهای روبرو شود. متاسفانه، متاسفانه باید بگویم که در بعضی موارد دیده ام که برخی از این خانم‌ها خودشان راه نفوذ را باز می‌کنند. دیده ام که خانمی به کارفرما می‌گوید: حقوق بالاتری به من بده من باهات هستم و سرویس می‌دهم."

- چرا فکر می‌کنی برخی از خانم‌ها این راه نفوذ را باز می‌کنند؟
- نمی‌دانم. من این را دیده‌ام. شاید به دلیل اینکه ثبات کاری خانم‌ها در تولیدی‌ها به این مساله برمی‌گردد. باید شرایطی را که کارفرما مشخص می‌کند، بپذیرد تا اطمینان پیدا کند که کار دارد.
- در واقع اگر این خانم احساس می‌کرد که ثبات کاری دارد، باز این پیشنهاد را می‌داد؟
- نه. نمی‌داد. اما متأسفانه این شیوه ی برخورد در محیط‌های کاری وجود دارد. حتا من شنیده‌ام که در محیط‌های نیمه دولتی و دولتی هم وجود دارد. اکثر خانم‌هایی که در محیط کاری ما هستند، مشکلات اقتصادی زیادی دارند. و نیاز دارند که از کار و درآمدشان اطمینان داشته باشند. در نتیجه اگر می‌خواهی در چنین محیط‌هایی کار کنی، باید نسبت به آن محیط و کارفرما خیلی تحقیق کنی. شناخت داشته باشی تا بتوانی محیط سالمی را برای کار انتخاب کنی. اگر در محیط کاری هم شرایطی برایت پیش آید که چنین پیشنهاداتی را نپذیری و یا کسی باشد که آن جایگاه خاص را برای کارفرما پیدا کرده باشد، هیچ وقت نمی‌توانی از نظر حقوقی و کاری آن جایگاهی را که شایسته ی توست بدست آوری. هر چقدر هم که از نظر تجربه کاری و ... بالاتر از آن فرد باشی باز آن يك نفر در راس کارهاست. چون تن به خواسته‌ی کارفرما داده است. حتا اگر به بهترین شکل کارت را پیش ببری ، هیچ اعتباری به این کار نیست. هزار مشکل سر راهت می‌گذارند. شرایطی برایت مشخص می‌کنند که باید بپذیری. می‌گویند: اگر می‌خواهی کار کنی، این شرایط هست. اگر نخواهی به آن شرایط تن بدهی، با بیکاری مواجه هستی. ممکن است کارهایی در اختیار تو قرار دهند که خیلی بیشتر از وظایفت باشد. یا کاری به عهده ی تو می‌گذارند که از نظر تجربی خیلی از سطح تو پایین تر است و انجام آن برایت افت دارد. حقوقی برات تعیین می‌کنند که خیلی پایین تر از حقت است. و تو به خاطر این که می‌خواهی کار داشته باشی. باز کم و بیش اطمینان داشته باشی که از نظر اخلاقی و شخصی در امنیت هستی باید خیلی از شرایط این گونه ای را بپذیری و قبول کنی که تو را خیلی پایین ببینند و به تو توهین می‌کنند. اجازه ی پیشرفت به تو نمی‌دهند. باید بپذیری.
- اکثر کسانی که در تولیدی‌های لباس کار می‌کنند، چه پایگاه اقتصادی دارند؟
- خیلی ضعیف و بیشتر از خانواده‌هایی هستند که یا خانواده ی طلاقند یا اعتیاد. در فقر زندگی می‌کنند و به این دلیل است برخی از آنان به راحتی خیلی مسایل را می‌پذیرند. با وجود اینکه خانم‌ها خیلی آسیب پذیرند. اگر هم کار حراست و این جور جاها بکشد، می‌گویند: "خوب مرد است دیگر. از مرد می‌گذرند. ولی خانم طرد می‌شود.
- سطح سواد و تحصیلات این خانم‌ها در چه حد است؟
- حداکثر دیپلم.
- بحث شرعی این گونه روابط در محیط‌های شما چگونه است؟
- صدد در صد تمام این گونه خواسته‌ها غیر شرعی است. من نوع شرعی اش را ندیدم.

زن دیگری ۳۶ ساله می‌گوید:

- دو سال پیش شوهرم فوت شد دو دختر دبیرستانی داشتیم شغل شوهرم آزاد بود و خانه مان استیجاری در واقع من ماندم بدون بیمه و یا پشتوانه مالی. برادر شوهرم تا حدی کمک می‌کرد اما هم کم بود و هم تمایل

داشت با توجه به زن و بچه ای که داشت با من ازدواج کند. سراغ کار رفتم و مصیبتم شروع شد. هر جا می‌رفتم به من پیشنهاد صیغه می‌دادند. هر جا که رفتم دو سه هفته بیشتر دوام نیاوردم. در جایی مردی که هم سن پدرم بود به من پیشنهاد داد گفت حیفی زن به این زیبایی نباید اینقدر زحمت بکشد. در مصاحبه فهمیده بود شوهرم فوت کرده. گفتم شما هم سن پدرم هستی بهش برخورد. دیگه سلام و علیک هم نکرد. سر ماه دیدم ۶۰ هزار تومان گذاشته تو پاکت گفتم توافقی ما ۲۵۰۰۰۰ تومان در ماه بود. گفتم بله به شرطه‌ها و شروطه‌ها. دیگه نرفتم. بعضی‌ها فکر می‌کردند ایراد از خودمه خیلی جاها حتی با چادر می‌رفتم فایده نداشت. حالا مادر شوهرم تو مطب یک آشنا کار پیدا کرده صبح هم در یک مطب دیگر کار می‌کنم. پولش خیلی کمه. من کار خیلی می‌کنم اگر مرد بودم خیلی پیشرفت می‌کردم نگاه جامعه به زن خیلی بده آگه بیوه باشی که فاجعه است.

بعد از شنیدن درد دل ها و تجربیات تلخ این زنان از راهکارهایی برای حل این مسایل و ایجاد امنیت در محیط های کار برای زنان پرسیدیم.

- حالا برویم سر راهکارها ، شما به عنوان دختر جوان تحصیل کرده ای که ۴ یا ۵ سال است در محیط های کاری با این گونه مشکلات روبرو بوده ای فکر می کنی چه راهکارهایی برای تغییر این شرایط وجود دارد؟

- اول از همه فرهنگ جامعه باید اصلاح شود. بحث تبعیض جنسیتی باید برداشته شود. این نگاه که تو دختری و باید کار نکنی، باید تغییر کند. ما مشکلات دوقرن پیش زنان اروپا را داریم. تبعیض جنسیتی باید برداشته شود. در خانواده و... نگاه متفاوت به زن و مرد باید حذف شود. و اینکه زنان خودشان باور کنند که چیزی کم ندارند و دلیلی ندارد در مقابل کاری که انجام می دهند به کارهای دیگری نظیر این گونه خواسته ها تن بدهند. حالا ممکن است این خواسته ها در سطح بسیار پایین تر و در حد یک نگاه، یک عشوه آمیز و یا کنار آمدن باشد و یا در حد بالا و رفتن به رختخواب. تمام اینها را که در نظر بگیریم ، روز به روز هم که وضعیت اقتصادی بدتر می شود. وقتی بار اقتصادی به خانواده ها فشار می آورد، بچه ها مجبور می شوند کار کنند، از سوی دیگر سن ازدواج بالا رفته است و دختران جوان بسیاری مجبورند با خانواده هایشان زندگی کنند. مردهای مناسب برای ازدواج نسبت به سابق کمتر شده است. دختران هم دوست دارند عاقلانه تصمیم بگیرند و همسر مناسب خودشان را انتخاب کنند نه اینکه مانند مادرانشان ازدواج کنند. وقتی همسر مناسب کمتر جلوی راهش قرار می گیرد آن که برای زندگی مناسب است و از سوی دیگر در خانه پدر و مادر هم سرکوفت در خانه ماندن (با پوزش از طرح این اصطلاح) و، ترشیده شدن را به دختر می زنند، آن وقت این دختر ممکن است برای فرار از این مسایل تن بدهد به این گونه مسایل و یا به ازدواج به عنوان زن دوم یا سوم مردی که در محیط کار موقعیت اقتصادی و اجتماعی خوبی دارد. تا از این حرف ها خلاص شود.

اگر مشکلات اقتصادی و اجتماعی اجازه بدهد که زنها خودشان را نشان دهند، تازه زنها باید باور کنند که چیزی کم ندارند. الگوهای اجتماعی بسیاری وجود دارد که زنی بدون حمایت یک مرد، شوهر و یا پدر و... توانسته است به جایی برسد. متأسفانه علیرغم توانایی زنان در داخل کشور این نمونه ها در داخل کم است.

اما داریم بسیار زنان ایرانی که در خارج از کشور چون شرایط مناسب بوده توانسته اند رشد خوبی کنند. حتما ممکن است از زنان داخل کشور توانایی کمتری داشته باشند اما به دلیل وجود امکانات زیاد رشد زیادی کرده اند. مساله به مشکلات اجتماعی بسیار عمیقی برمی گردد. اما مساله انسان سازی هم اینجا مطرح است. همیشه ما می‌گوییم اول جامعه را بسازیم

بعد انسان‌ها را. اما به نظر من هم اکنون انسان سازی در میان جوانان شروع شده است. در میان دخترهای ما به نوعی خودکم بینی وجود دارد. که ناشی از همان فرهنگ سنتی قدیمی است. مثلا زنان زیر آب هم را می‌زنند. همان مساله مادرشوهر و خواهر شوهر و عروس و...

- شاید بتوانیم نوعی حرکت از نگاه سنتی به پیشرفته، وجود دارد. این به شبکه‌های گسترده ی ارتباطی نوین بستگی دارد. اینترنت، ماهواره‌ها و... سبب شده که اطلاعات زیادی در اختیار دختران و زنان قرار بگیرد. با فرهنگ‌های دیگر آشنا شوند و... به هر حال اینها تاثیر زیادی در رشد فکری جوان‌ها دارد. و به خصوص دختران. من هم در دهه ی ۷۰ دانشجوی بودم و هم در دهه ۸۰. خیلی باورها و نگرشها عوض شده است. در واقع به نوعی شکافی بین تفکر عامیانه و بسته ی قدیمی ایجاد کرده است. این سیستمی که باور داشت دختر باید در خانه بماند دچار مشکل شده است. دختران هم دچار تضاد شده اند. از يك طرف هنوز بقایای آن سیستم سنتی را در تفکر خود دارند که مثلا زیرا ب همدیگر را می‌زنند و از طرف دیگر به خودشان آمده اند که حالا باید موقعیت اجتماعی شان را رشد دهند این تفکر که زنان زیر آب هم را می‌زنند فقط در میان زنان عامی و ساده وجود ندارد، بلکه در میان زنان تحصیلکرده و حتا روشنفکر هم وجود دارد.

منظورم این است که تفکر بسته ی قدیمی در افکار زنان ما رسوخ کرده است و در رفتارهایشان خود را نشان می‌دهد. مثالی می‌زنم. مثلا در آلمان مساله خیانت مرد بسیار بدتر از خیانت زن است. اگر زنی بفهمد که کسی با شوهرش ارتباط داشته ابتدا از شوهرش طلاق می‌گیرد. و او را مقصر می‌داند. اما زن ایرانی چه می‌کند، حتا اگر حق طلاق را هم داشته باشد، در چنین موقعیتی اول یقه‌ی آن دختر را می‌گیرد. يك فصل حساب او را می‌رسد و بعد در محل کار ود و نزد خانواده اش آبروی دختر را می‌برد. بعد آخرش هم يك دعوا و جیغ و داد تصنعی با شوهرش راه می‌اندازد و بعد هم که شوهرش می‌فهمد که آن زن دیگر سراغ او نخواهد آمد، يك مدتی می‌آید و می‌چسبد به زنش و معذرت و.. و باز روز از نو روزی از نو. درخت از ریشه کرم دارد. زنها خودشان را مقصر می‌دانند. این فرهنگ خاورمیانه ای، فرهنگ شرقی است.

- درست است. در محیط‌های کاری وقتی زنی با زنی مساله پیدا می‌کند و یا با کل مجموعه و مدیر، اولین مساله ای که زیر سوال می‌رود صلاحیت اخلاقی آن زن است. مثلا زنی است با تخصص علمی و فنی و ماهر در کار خود و در مورد کاری نظر می‌دهد که باید این گونه کار کرد و روی حرفش می‌ایستد. بهترین راه این است که يك انگ اخلاقی به او بزنند و يك جورى او را از آن موقعیت و محیط بیرون بیاندازند. این يك ارزش منفی است که در جامعه، تو نمی‌توانی به راحتی به مردی انگ بزنی. تازه اگر هم بزنی، اهمیتی به آن داده نمی‌شود. چون مرد است و این مسایل را برایش عادی می‌دانند.

- آیا زنان میتواند با همکاری هم راهکاری را بیابند که محیط کارشان را برای خودشان امن و ایمن کنند؟

- دقیقا. من خودم این را تجربه کردم. این شیوه را جدیدا به کار می‌برم. مدیران هم احساس خطر کرده است. چندماه پیش به یکی از دختران همکاران کسی توهینی کرد و من جلوییش در آمدم. می‌دانید باید مثل قانون جنگل عمل کرد. اگر کوتاه بیایی و از موضع ضعف برخورد کنی حسابت پاك است. بامدیران هم برخورد کردم و خواستم به مساله رسیدگی کند. وقتی این گونه رفتار می‌کنی، باید خطر اخراج و بیکاری را هم به جان بخری. با خود می‌گویم که بالاخره که بیکار نمی‌مانم. من تخصص خودم را دارم و کاری پیدا خواهم کرد و بنابراین به عواقب کارم فکر نکردم و محکم ایستادم.
- خب تو به خاطر تخصصت قدرت چانه زنی داری. شاید زنان دیگر نداشته باشند.
- ممکن است اینطور باشد. اما شاید وقتی که من که از این همکار زنی حمایت می‌کنم که از او خوشم نمی‌آید و احساس نزدیکی با او نمی‌کنم. وقتی با او برخورد شد و من هم درکنارش ایستادم و از اودفاع کردم، شرایط روانی در محیط کار ایجاد شد، که الان هر کدام از دخترهای همکاران که برایش مشکلی پیش می‌آید نزد من می‌آید. حتا اگر من شرکت نباشم به من زنگ می‌زند. حساب کار دست مدیر هم آمده است. صندلی من درست مقابل میز مدیراست و او می‌داند که باید مرا به حساب آورد.
- آیا بین خودشان هم رابطه برقرار کرده ای که بنشینند و با هم گپ بزنند و ...
- نه اصلا. چون می‌گویند که سم پاشی می‌کنی و لجن پراکنی می‌کنی و.. حالا اگر من مشکلی پیدا کنم همه ی آنها به من زنگ می‌زنند و دیگر زیرآب مرا نمی‌زنند.
- در صحبت‌هایتان اشاره کردید به مردهایی که این نوع برخوردها را با زنان قبول ندارند. فاسد نیستند، آنهایی که مخالفند چه دیدگاهی دارند و چگونه با این مسایل در محیط کار برخورد می‌کنند؟ یعنی اگر مردی به زنی توهینی کند و یا تقاضای غیرمتعارفی داشته باشد، چه می‌کنند؟
- در محیط‌های کار آقایان تا مشکلی برای خودشان پیش نیاید، صدایشان در نمی‌آید. چون زنان را درجه دو به حساب می‌آورند و از آنها حمایت نمی‌کنند. در صورتی که اگر برای همکار مردشان مساله ی پیش آید حتما حمایت می‌کنند. اصولا مردان محافظه‌کارند و برخورد نمی‌کند. فقط بعد از جلسه مثلا با آن خاتم همدردی می‌کنند. یا حداکثر زمانی که پشت سرت حرف می‌زنند برخورد می‌کنند که در مورد فلانی حق نداری این گونه حرف بزنی.
- من اعتقاد دارم برای برخورد با این فرهنگ غلط شرقی باید همان گونه عمل کنیم که زنان در صد سال پیش در امریکا برای به دست آوردن حق رای عمل کردند. باید جدی برخورد کرد. در خانواده‌ها هم با این که ظاهر زندگی‌ها خیلی پیشرفته و مدرن شده ولی هنوز این خشونت‌ها شدت دارد. در تهران ماشینی شده، از آپارتمانها صدای کتک خوردن زنان می‌آید. این یعنی همان فرهنگ وحشی گری قدیمی. برای حل این مسایل فقط آن ضرب المثل معروف که کسی به دادت نمی‌رسد جز خودت. در درجه اول خودت باید گارد بگیری و از خودت دفاع کنی. شاید اعتقاد من عاقلانه نباشد ولی فکر میکنم هر کسی که بخواهد به من توهین کند یا صدمه ای بزند حالا این مرد می‌خواهد همسرم باشد یا پدرم و یا هر کس دیگر، من هم با او همان رفتار را خواهم کرد. مقابله می‌کنم. چون در جامعه ای زندگی می‌کنم هیچ حق و حقوقی ندارم. و اینقدر مشکل وجود دارد که تا بخواهم زنگ بزنم که مثلا پلیس بیاید ... این رفتار فوری و بلافاصله است.

وگرنه راه حل اصلی که زمان بر و عمقی است. خود من که این گونه برخورد کرده ام. بعد از دو سالی که در این محل کار می‌کنم دیگر برای همه جا افتاده است و می‌دانند که هر حرفی بزنند و کاری بکنند جوابشان را خواهند گرفت. پس هوای حرف زدن و رفتارهایشان را دارند.

- در حقیقت می‌توانیم بگوییم که زنان و خانم‌های که مقاومت می‌کنند در مقابل این جور خواسته‌ها، رفتارشان الگویی می‌شود برای دیگر زنان.

- بله. زنها اصولاً دیر اعتماد می‌کنند. اما وقتی که به تو اعتماد پیدا کنند که هیچگاه زیراب هیچ زنی را نمی‌زنی، حتا اگر دشمنت باشد، به سمت تومی آیند.

- من فکر می‌کنم که دو تا آیم مهم اینجا وجود دارد. یکی سطح تحصیلات زنان است و دیگری پایگاه اجتماعی‌شان. من تجربه‌ی خوبی در محل کار خودم داشتم. در موسسه‌ی ما سطح سواد همه‌ی خانم‌ها حداقل لیسانس است. مدیری برای ما آمد که فقط سه ماه دوام آورد. میزان خشونت جنسیتی این آقا در این حد بود که مثلاً به خانم‌های همکار ما می‌گفت: چقدر خوشگل شدی. یک روز یکی از همکاران رفته بود پیشش برای گرفتن مرخصی او پرسیده بود می‌خواهی پیش دکتر زنان بروی. (این جمله مصداق خشونت جنسی علیه زنان است چون وارد حریم خصوصی یک زن می‌شود.) این باعث شد که با من صحبت کند و ما همه‌ی زنها نامه‌ای برای حراست نوشتیم و در آن نامه حراست را تهدید کردیم که اگر این آقا را شما برنارید ما شخصاً خودمان عمل خواهیم کرد. این باعث شد که مدت مدیریتش در اداره ما چند ماه بیشتر نشود. سطح سواد خانم‌ها بسیار مهم است. و این که از قبل هم به هم اعتماد داشته باشند.

- درست است. مشکل محیط کار ما این است که سطح سواد خانم‌ها در حد دیپلم و حداکثر فوق دیپلم است. یا لیسانس‌هایی که معلوم نیست از دانشگاه‌هایی است که در حد دبیرستان هستند. اما حالا آن خانم دیپلمه که شش ماه پیش توی سرش اگر می‌زدند فقط گریه می‌کرد. اعتماد به نفس پیدا کرده و از خودش می‌تواند حمایت کند و مقاومت کند. یکی دوتا آقای جاافتاده هم در محیط کارمان هستند که انسان‌های سالمی هستند. اینها نزدیک میز آن خانم کار می‌کنند. رفتار حمایت‌آمیز آنها هم در این تغییر در این خانم نقش داشته است. برخی اوقات هم به خاطر این که سطح سواد خانم‌ها از مدیران بسیار بیشتر است و آنان احساس کمبود می‌کنند مخصوصاً در مقابل این زنان. به خاطر عقده‌هایی که از دوران کودکی‌شان دارند می‌خواهند همیشه که به زن‌ها حکومت کنند.

- من فکر می‌کنم این مسایل به سختی حل می‌شود. چون باید از نظر اجتماعی، اقتصادی، فکری و شخصیتی حل شود. این که زنان در یک جامعه‌ای اینقدر پایین شمرده می‌شود که دیگران به خودشان اجازه می‌دهند که هر حرفی و هر حرکتی را نسبت به آنان اعمال کنند، حتا زنانی که در رده‌های بالای تحصیلی هستند هم از احساس می‌کنند که از امنیت اجتماعی و شخصی برخوردار نیستند. من دیده‌ام زنانی را که یک خانواده را به طور کامل اداره می‌کنند. چه از نظر اقتصادی و چه از نظر رسیدگی به فرزندان و... باز هم کوچک شمرده می‌شود، چون زن است و باز او ترس از شوهرش دارد. با وجود اینکه بسیار بالاتر از شوهرش است.

این که همسبستگی بین زنان کمتر از مردان است من هم با آن موافقم. مساله زیراب زنی در میان زنان را بسیار بیشتر از بین مردان می‌بینم. این گونه مسایل را جامعه باید حل کند. فرهنگ باید حل کند. خود آدم‌ها باید به آن برسند.

- خوب چه جوری باید همه ی این تغییرات را در فرهنگ و اجتماع و افراد بوجود بیاوریم؟
- اول باید از خودمان شروع کنیم. من می بینم زنانی را که در سازمان های غیر دولتی ان جی اوها کار می کنند ولی سایه ی هم را با تیر می زنند. در فعالیت های اجتماعی هستند باز زیر آب هم را می زنند.
- این مساله در میان مردان هم هست.
- بله. ولی در میان زنان بیشتر است.
- به نظر من در ساختار فعلی تغییر بزرگ ممکن نیست. تغییرات کوچک در حد آن مثالی که این دوستان زد در مورد مدیرشان که توانستند عوضش کنند، چرا ولی تغییرات اساسی نه. راه اصلی تغییر ساختار کلی جامعه است.
- ببینید این نگاه تحقیق آمیزی که این دوستان گفت زنان نسبت به زنان دیگر دارند باید کالبد شکافی شود. به دلیل تربیتی است که ما داشته ایم. ما، در جامعه ای پدرسالارانه بزرگ شده ایم و جامعه پذیری ما جنسیتی است. این باعث می شود که نگاه اقلیت به خود داشته باشیم. برای همین است که اگر زنی بخواهد برود رانندگی یاد بگیرد پیش مربی زن نمی رود چون فکر می کند که آن زن مربی توانایی اش کم است. برای همین است که اگر مردی خطا کند آن خطا را می پوشانند ولی اگر زن خطا کند آن را پررنگ می کنند. این به خاطر این است که طوری تربیت شده ایم (و این در اعماق وجود و افکارمان نفوذ کرده) که نگاه اقلیت بینی به خود داشته باشیم. اگر مردی برود با زن دیگر، زنان فقط می گویند: "خوب پول دارد دیگر". یا اینکه "کار غیر شرعی که نکرده". ولی اگر بفهمند زنی این کار را کرده، می گویند: "چقدر کثافت است و بی شرف است و...". این نوع نگاه به ما تحمیل شده است.
- اما این بحث هم هست که هر چه در محیط کار زن ذهنش را عوض کند. اعتماد به نفسش را بالا ببرد، ولی باز وقتی آن مشکل اقتصادی وجود دارد دستش بسته است. وقتی زنی هست که شوهرش معتاد است. بچه اش مریض است. خانه اش اجاره ای است و ... می داند که به عنوان یک انسان ارزش دارد نه به عنوان یک شی جنسی، اما چه کار باید بکند؟
- اگر بخواهد تکی اعتراض کند، نمی شود. صدای یک نفر به هیچ جا نمی رسد. اگر این گونه عمل کند می گویند این زن مشکل روحی و روانی دارد. به خود من بارها گفته اند که تو مشکل داری. ولی خب من این قدرت را دارم که توی روی آنها نگاه کنم و بگویم نه خودت مشکل داری.
- یعنی باید مبارزه ی فردی را شکل داد؟
- مبارزه فردی باید به یک مبارزه ی اجتماعی تبدیل شود. در جامعه ی ما، نه فقط به زنان بلکه به کودکان، مردان فقیر و ... نیز ظلم می شود. یعنی در جامعه ی ما ضعیف کشی هست.
- مساله بعدی که باید به آن اشاره کرد بحث آموزش دهان به دهان است. در خیلی موارد می بینیم که خانمها در مورد مسائلی مانند مد مو و لباس اطلاع رسانی دهان به دهان می کنند ولی در این گونه موارد نه. نمی آیم به خودمان تکانی بدهیم و بگوییم: می دانید در محیط های کار چه خبر است؟ تبلیغات دهان به دهان در دنیای پیشرفته ی امروز اهمیت بسیاری دارد. ولی ما به آن اهمیت کافی نمی دهیم. در بحث اطلاع رسانی می گویند وقتی مطلبی دهان به دهان منتقل نشود می میرد. ما می توانیم این گونه مباحث را دهان به دهان

مطرح کنیم: " می‌دانید در محیط‌های کار و شرکت‌های خصوصی چه چیزهایی وجود دارد... " این جور
این بحث زنده می‌ماند. و با آن برخورد می‌شود.

- با کدام دیدگاه؟
- طبیعتاً با دیدگاه "خاله مردکی" نه. با دید بدگویی از زنان دیگر، نه. در حقیقت باید یک نوع دفاعیه تهیه شود. حتا در مورد زنانی که خودشان دارند این کار را انجام می‌دهند. خوب باید این گونه مسایل را دید که انسان جایز الخطاست. شاید اگر من هم با این روحیه بار نمی‌آمدم و پدرم با خشونت با من رفتار می‌کرد و... من هم الان طور دیگری برخورد می‌کردم.
- یا اگر یک بچه ی کوچک داشتی که باید غذاشو تامین می‌کردی ، اگر باید اجاره خونه می‌دادی...
- نه. بحث اعتماد به نفس است. هر کسی نمی‌تواند این گونه عمل کند. این بحث با بحث دفاعی خودمان مطرح می‌شود. حالا چه باید کرد؟ باید از خودمان دفاع کنیم.
- خب در محیط‌هایی که شما هستید چگونه است؟ آیا راهکارهایی که این دوستان گفت در محیط‌های تولیدی لباس قابل اجراست؟
- نه اینکه بگویم تاثیر ندارد. ولی من خودم تا به حال برای این قضیه تلاش نکردم. به این دلیل که فکر می‌کنم هر کس خودش باید به باوری برسد. هیچ گاه نمی‌شود اعتقادی را به کسی تزریق کرد. یا یک باور را اجباری به کسی داد. فقط در حدی با برخی از این افراد صحبت کردم که چرا این کار را می‌کنید. می‌گفت که چه کار کنم؟ چاره ای ندارم. اگر این کار را نکنم به من می‌گویند از اینجا برو. از اینجا ، کجا بروم. همه جا این گونه آدم‌ها هستند. نمیتوانم که بیکار و بی پول زندگی کنم. من اینها را شنیده‌ام. و باز فکر می‌کنم در درجه‌ی اول این تبعیض جنسیتی است که وجود دارد و بعد هم مشکلات اقتصادی...
- من فکر می‌کنم حمایت قانونی هم نیاز هست. حتا زنانی که می‌خواهند طلاق بگیرند با قاضی مشکل پیدا می‌کنند. می‌گویند باید باج جنسی بدهیم تا کارمان پیش برود. قانون ما ضد زن است.
- به همان سوالی می‌رسیم که می‌خواستیم بپرسم. نقش قوانین را در این مساله که برای زنان در محیط‌های کار مشکلات خشونت جنسی پیش می‌آید چگونه می‌بینید؟ چقدر نقش قوانین را در این میان عمده و موثر می‌بینید؟
- صد درصد. حتا اگر در خیابان برای زنی مشکلی پیش آید می‌گویند خودت مشکل داشتی. علط کردی با این قیافه بیرون آمدی. وقتی شکایت می‌کنی به خودت بر می‌گردانند یا به آرایشگر یا به لباست و...
الان هم که پلیس امنیت اخلاقی درست کرده‌اند به جای گشت ارشاد، یعنی که دیگر با اقتدار کامل می‌خواهند عمل کنند.
- الان طرح‌هایی داده می‌شود که در نظر اول ممکن است به نظر آید به نفع زنان است. مثل طرح دورکاری. بگویند که ما این شرایط را برای زنان فراهم می‌کنیم که در خانه و از طریق اینترنت کارشان را انجام دهند و حقوق بگیرند و به این ترتیب از این گونه مسایل هم دور

باشند. می گویند: شما که در خانه‌تان با این گونه خشونت‌ها روبرو نمی شوید. پس ببینید که ما چقدر حامی زنان هستیم.

- این اصلاً درست نیست. وقتی که از محیط کار بیرون بروی جایگاهت را هم از دست خواهی داد.
- در تولیدی‌ها هستند زنان بسیاری که این گونه کار می‌کنند. و راضی هم هستند. به نظر من این گونه شرایط خشونت‌های روانی و اخلاقی را کم رنگتر می‌کند.
- فکر نمی‌کنید که این به حذف تدریجی زنان از بازار کار بیانجامد؟
- نه زنانی را می‌شناسم که سالهاست در منزل خود کار می‌کنند و درآمد خوبی هم دارند.
- درمزون‌ها و کار هنری جواب می‌دهد.
- یکی از این حضرات به من پیشنهاد داده بود می‌گفت اینترنت پرسرعت وصل کن و مقاله بنویس. من می‌آیم و مقالات تو را می‌برم. همان که می‌گفت می‌خواهم ببایم مقاله را ببرم آیا خانه شما خالی است یا نه؟ پس اگر بخواهم مقاله ام چاپ شود باز هم مساله همان است. باید خانه‌ام خالی باشد. به این ترتیب زنان بیش از پیش به حاشیه رانده می‌شوند.
- آیا می‌توان برای ایجاد امنیت جنسی برای زنان يك فاصله امنیتی و حفاظتی بین زنان و مردان ایجاد کرد؟ اگر محیط کار آنها جدا شود این امنیت برای زنان ایجاد می‌شود؟
- آنهایی هم که درخانه کار خیاطی و تولیدی می‌کنند باز هم با مردان در ارتباط هستند.
- در حرفه ی شما این گونه است. من دختری را سراغ داشتم که کار تاج عروس می‌کرد دانشجوی دانشگاه آزاد بود و برای تامین شهریه‌اش سخت کار می‌کرد. وقتی می‌خواست پولش را از یکی از صاحب کارها بگیرد حسابی کتک خورده بود. کلی فحش شنیده بود. تا مدتها اوتشنج داشت والان هم وقتی اسم تاج عروس می‌آید حالش بد می‌شود.
- از سوی دیگر برای همه‌ی زنها که امکان ندارد درخانه کار کنند و همه‌ی کارها را که نمی‌شود در خانه انجام داد، در این موارد چه باید کرد؟
- باید راهکارهای دیگری پیدا کرد.
- می‌توان با تصویب قوانینی علیه این خشونت‌های جنسی امنیت جنسی را در محیط‌های کار تامین کرد. به عنوان مثال در کشورهای اروپایی تقاضای جنسی داشتن از خانمی در محل کار با مجازات‌های سنگین مواجه می‌شود. در صورت شکایت يك بیمار از دکتر مردش ویا دانشجویی از استادش ویا منشی از رییسش ، با آنها بسیار سخت برخورد می‌شود. این گونه قوانین سخت گیرانه کارآرا تر از جدایی محیط‌های کار است. وجود قوانین حمایتی همراه با اجرای سختگیرانه ی آن می‌تواند ضمانت این مساله باشد.
- در واقع همانطور که از گفته‌ها مشخص است این رابطه فرودست و فرادستی که بین زنان و مردان به ناروا حاکم است. مردان به ویژه آنان که در ساختار قدرت سازمانی یا مالی جایگاه بالاتری دارند، این نوع برخورد را حق خود می‌دانند و از توجیهاات فرهنگی که بار ارزشی پدر سالاری را بر خود حمل می‌کنند؛ بهره می‌برند تا با چالشهای اخلاقی مساله کنار بیایند.

گفته های این زنان بسیار گویا و زنده است و نشان می دهد که این موضوع چه اهمیتی دارد و چگونه باید با آن برخورد کرد. با توجه به مسائلی که به روشنی به آن پرداخته شد می توان راهکارهای ارائه شده را این گونه برشمرد:

- تغییر و تحول در نگاه اجتماعی به زن و در واقع از بین بردن نگاه تحقیرآمیز و جنسی به زنان.
- حمایت های قانونی و وضع مجازات سنگین برای مردان متعرض در محیط کار
- بالا بردن آگاهی زنان نسبت به جایگاه خود به عنوان نیروی کار و داشتن حقوق اجتماعی، اقتصادی و جنسی
- اعتراض کردن مستقیم زنی که آزاری دیده و چشم پوشی نکردن از حق اعتراض
- متهم نکردن زن هایی که مورد آزار قرار می گیرند
- جمعی کردن مشکلات و حمایت از یکدیگر در محیط کار
- حق نظارت اجتماعی کارکنان به عملکرد مدیران به ویژه در زمینه مسائل اخلاقی
- کاهش قدرت مدیران در برابر افزایش شوراها و یا انجمن های کارکنان که نظارت و ارزیابی عملکرد در مجموعه را دارند.

www.esalat.org